

## نگارش به مثابه سلوک

آقای منصور براهیمی، جلسه ۱۲

ضرورت نوشتن . ۲۹ دی ۹۴

طبق معمول به وضعیت نشستن راحت رو انتخاب کنید روی همون صندلی خودش امکان خوبیه که یک تنفس راحت داشته باشی بتز میتونید با چشمهای بسته تمرین رو انجام بدید یا با جشمان باز بعهدہ خودتونه تمرکز روی تنفس رو به خودتون واگذار میکنم اجازه بدید که دیگه خودتون این تمرکز رو سامان بدید برای خودتون قاعدتا باید بدن کاملا راحت باشه و تنفس هم به همین نحو تنفس راحتی که به شما اجازه بده این تمرکز رو مدت طولانی حفظ کنید اگر توجه کرده باشید همین که متمرکز هستید روی تنفستون ما به گفتار درونی مستمر و قطع نشدنی داریم حتی گاهی دیدید به خواب هم که میرید انگار این به شکل خواب دوباره ادامه پیدا میکنه ممکنه به کلی عوض بشه اما همواره به رویداد درونی در حال وقوعه همانطور که بر تنفس تمرکز کردید میتونید به یاد بیارید آخرین گفتار درونی که در درون شما در حال وقوع بوده شما کاملا بر این گفتگوی درونی آگاهید خیلی موقع ها تو شلوغ ترین موقعیتها هم این داره روی میده غالبا ما به این گفتگوی درونی ممکنه زیاد اهمیت ندیم بخصوص تو موقعیت های اجتماعی موقعیت هایی که با دیگران ارتباط داریم ولی حتی تو اون موقعیت ها هم در حال وقوع هست حالا فرض رو بر این بگیرید شما کلا در جهانی زندگی میکنید که جز خودتون روی کره زمین هیچ موجود انسانی دیگری نیست همچنان بر تنفستون متمرکز باشید و سعی کنید به این گفتگوی درونی رویداد درونی بیشتر گوش کنید و بیشتر بهش توجه کنید شما عملا هیچ امکانی برای یک ارتباط بیرونی ندارید حتی اگر بلند بلند صحبت کنید وقتی رو کره زمین تنها هستید دارید با خودتون حرف میزنید یا نهایت با طبیعت از تمام آنچه که در دنیا میتونه برای شما در کار نگارش یک ورق کاغذ و یک قلم بیشتر باقی نمونده اگر این کاغذ رو پر کنید دیگه تقریبا هیچ چیز برای نوشتن نخواهد داشت حالا چشمهاتون رو باز کنید و این کاغذ و قلم رو جلوتون قرار بدید باز توجه بکنید که این کاغذ رو هیچ کس جز شما نخواهد خوند چون فقط شماست که روی کره زمین موندید هیچ کس دیگری نیست و اگر این کاغذ هم پر بشه دیگه هیچ امکانی برای نوشتن ندارید پس اونچه را که بنویسید فقط بدرد خودتون میخوره و تنها خوانندش شماست چه چیز شما رو وادار به نوشتن میکنه و ضرورت نوشتن برا شخص خودتون پدید میاره اونچه روکه واقعا ضروری است میتونید بنویسید یا توصیف کنید اون ضرورت رو یعنی ضرورت اینکه چرا مینویسیم ولی یادتون باشه این نوشته رو هیچ کس دیگه ای نمی خونه میتونید با تامل بنویسید میتونید مکث کنید منظورم اینه که به نوع نگارش آنی نیست چون مصرف کاغذ الان برای شما مهمه هر آنچه رو که مینویسید به این فکر میکنید که دارید با ضرورت محض مینویسید و اون ضرورت صرفا ضرورت شخصی شماست هیچ ربطی به دیگران نداره اصلا دیگری وجود نداره شما در آینه دیگران دیده نخواهید شد فقط در آینه خودتون بازتاب دارید اگر هیچ ضرورتی برای نگارش برای شما پدید نیاد حداقل ضرورت نوشتن روبرای خودتون بنویسید چرا مینویسید حتی اگر نوشتن برای این باشه که مثال میزنم نوشتن یادم نره مینویسم فقط برا اینکه نوشتن یادم نره این هم نوعی ضرورته باز میگم مثال زدم شاید سطحی ترین شکل ضرورت باشه حجم نوشته اصلا مهم نیست ضرورت نوشته مهمه حجم نوشته تا این حد مهمه که شما بیش از یک صفحه نمیتونید بنویسید ( سکوت ) .

توجه کنید به ضرورت هایی که گاهی نوشتن الان، در موردش صحبت میکنن مثلا رساندن پیامی به دیگران تعلیم دادن دیگران برانگیختن دیگران تقریبا نمیتونه ضرورت شما باشه چون دیگرانی اصلا وجود ندارند مطلقا ضرورت مربوط به خودتونه مثلا آدم متاهل هیچ معنایی برای شما نداره چون به کسی تعلق نمیگیره اصلا کسی وجود نداره که بهش تعلق داشته باشید فقط به خودتون ( سکوت )

در حالیکه این نوشته رو حفظ خواهید کرد میتونید تو هر مرحله ای هست قطع کنید این نوشته رو نگه دارید نوشته خودتون رو که قبلا داستانی روکه داشتید شکل میدادید باید هر دفعه همراه تون باشه اینو الان بذارید جلوتون یکبار بخونید باز با همین فرض که این نوشته به چه درد شما میخوره چه ضرورتی برا شخص شما داره اصلا مهم نیست که دیگران که الان وجود دارند در مورد این چه قضاوتی میکنن برایدیگران چه فایده ای داره چه ضرورتی داره اصلا اینا مهم نیست مهم اینه که این برای خود شما وقتی که دارید میخونید چه ضرورتی داره چه امکانی برای تغییر در شما داره این حد غائی این نوشته است که شما میتونید فکر کنید به اینکه این متن تغییری در شما قراره ایجاد کنه یا مایلید ایجاد بکنه به حسب اونچه که فکر میکنید الان کم داره فقط برای شما اون موارد رو یادداشت کنید چه چیزهایی کم داره همون داستان خودتون آخرین نسخه ای که دارید رو بذارید جلوتون فقط با این فرض که چه چیز این رو ضروری میکنه فقط برای شما چه چیزهایی ضروری است فقط برای شما چه چیزهایی اضافه است چه چیزهایی نیاز هست باید بهش اضافه کنید اینارو بنویسید حتی اگر میرسید به اینجا که مطلقا الان دیگه ضرورت شخصی برای شما نداره باید کلهش رو عوض کنید این رو هم یادداشت کنید اگر واقعا رسیدید به اینجا که این نوشته هیچ ضرورتی برای شخص شما نداره میتونید بذارید کنار ویه نوشته دیگه دست بگیرید هر آنچه که برای شما ضرورت داره غائی ترین شکلش اینه که چه تغییری در شما پدید میاد وقتی این نگارش به نهایت برسه به اصطلاح قابل عرضه به دیگران باشه مهمتر از همه اینه که وقتی شما اینو نوشتید قراره چه تغییری در شما ایجاد کنه چطور ممکنه که شما قبل و بعد از نگارش متفاوت باشید هر اسمی میخواید براش بذارید کارکرد فایده ضرورت . ضرورت از بقیه اش بهتره مهم نیست چه اسمی براش میذارید مهم اینه که اگر کاربردی یا فایده ای هست مطلقا برای شماست در قدم اول الن بازنویسش نمیکند میگید این چیزهارو نیاز داره این چیزا باید حذف بشه تو این بازخوانی که دارید میکنید فقط دارید به ضرورتهای خودتون میاندیشید به ضرورت بیرونی و دیگران فکر نمیکند همش خودتونید مثل متن قبلی هم خواننده متنید هم خالق متنید هم قراره که متن فقط برای شما کاربردی داشته باشه یعنی شما همه چیه متنید برا همین میگم یه بار بخونید اما مطلقا به ضرورتش برای خودتون از اینکه شما تنها انسان روی زمین هستید بیاید بیرون شما الان تو یه فضای اجتماعی هستید و نوشته شما ممکنه چاپ بشه بعدا حتی شما میتونید به چاپ متن تون فکر کنید و به اجراش به هر شکلی خوب اینا چیزاییه که خارج از ضرورتهای شخصی شماست اما الان دارید به این میاندیشید خوب همه اینا انجام شد یا میشه یا شدنی باشه خود متن چه ضرورتی برا شخص شما داره فردا روزی که این چاپ شده باشه نگاهش که میکنید فکر نکنید همش برا ضرورتهای بیرونی ضرورتهای بیرون از وجودخودتون متن نوشته شده این ضرورت وجودی نوشته رو تو متن قبلی تون تجربه کردید حالا میاید تو همین فضای اجتماعی که ما هستیم شما تبعا نوشته تون رو میخواید به یک محصول بدل کنید میتونید اینو ازش نگیرید بالاخره این هم یه محصوله اما چه فرایندی ضرورتش رو برای شما شخص شما الزامی میکنه چه نیازهایی داره چه چیزایی اضافه داره حتی این اگر به تغییر کامل متن بیانجامه نگران نباشید.